کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
۶۷۸۰

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب: کتابچه قانون نظامیه
مؤلف: سپهسالار اعظم
موضوع:
شماره اختصاصی (۳۴۰) از کتب (خطی) اهدائی
تیمسار سرلشگر مجید فیروز (ناصر الدوله) بکتابخانه مجلس شورای ملی
شماره ثبت کتاب
۴۴۷۰۴
۵۴۹۷

نوکچی سرباز مفردا

اردوی ملازمات
نوکچی سرباز

خراسان
فارس

نوکچی
نوکچی
سرباز
سرباز

کرمانشاهان و لرستان
کرگان

نوکچی
نوکچی

سرباز
سرباز

سرحد زابه عراقات

هو الله تعالی شانه

کتابچه قانون نظامیه مشتمل بر دو بابست

باب اول در تکالیف دولت و آن مشتمل بر هفت فصلست

فصل اول

اولیای دولت بر خود حتم و بعموم صاحب منصب و آحاد و افراد قشون مشهود و محسوس خواهند کرد که قانونی که مقرر میشود بهیچوجه من الوجوه تخلف از آن نخواهد شد

فصل دویم

عساکر دولت ایران بدو قسم منقسم میشوند یک قسمت از آن در اردوهائی که در نقاط مهمه و سرحداتی که بدین تفصیل معین گشته مجتمع میشوند و مدت دو سال در اردوها

دار الخلافه

توپچی سواره — کلان — زر

سرباز — توپچی سرباز توپچی سرباز

سواره توپچی — سرباز — فوج — فوج ارحاله فوج

نصف فوج — سه فوج

مرخص خانه

نصف فوج

اقامت کرده بلوازم مشق و تعلیم قواعد نظامیه مشغول و بعد از دو سال مرخص خانه خواهند شد و ساخلو سرحدات وغیره از همین اردو معین خواهد گشت چنانکه در هر سال یکدفعه با قشون متوقف اردو عوض شوند

قسمت دیگر مرخص خانه باشند و تا دو سال ماموریتی بآنها داده نشود مگر درصورتیکه برای دولت ضرورتی روی دهد که زیاده از نصف قشون خود را حاضر خدمت نماید و درانصورت بقدر ایام خدمت جیره و مواجب بآنها داده خواهد شد

دولت مجبور نخواهد بود که همیشه اردوها دراین نقاط مجتمع باشند بلکه منظور از انعقاد اردو اینست که همیشه نصف قشون در اردو حاضر مشق باشند و با پنجه اختیار با اولیای دولت خواهد بود که در هر وقت هر قدر از قشون ماموررا در هر نقطه که اقتضا کند حاضر سازند و مشغول مشق باشند اعم از اینکه سه اردو باشند یا پنج یا شش یا دو هر قدر در هر جا که مقتضی باشد خواهند فرستاد

تفصیل صاحب منصبان مامور اردوها

رئیس کل که بالای رئیسا اردوها که از اهل نظام باشند صاحب منصبی که رتبه امیر تومانی داشته باشد یکنفر	نایب رئیس که رتبه سرتیپی اول داشته باشد یکنفر	اجودان باشی اردو یکنفر	نایب اجودان باشی دو نفر
مهندس یکنفر	معلم کل یکنفر	مترجم یکنفر	خزانه دار یکنفر
لشکر نویس یکنفر	سررشته دار دفتر لشکر یکنفر	منشی یکنفر	سیورسات چی یکنفر
وکیل باشی اردو یکنفر	منشی دوره نویس یکنفر		

ملزومات اردو

توپخانه با ملزومات	قورخانه با اصناف	جبه خانه با اصناف	مریض خانه
سواره از جاهای دیگر هم در اردو باشد	اردو بازار		

دارد

ویکی از ملزومات اردو مریضخانه و لوازم آن بدین تفصیل است

یکنفر طبیب حاذق از دار الخلافه بریاست اطبای افواج مامور شود که روزی

یکدفعه باتفاق سایر اطبا و جراحان عیادت اردو کرده بمعالجاتی که کرده اند

رسیدگی نماید و پس از عیادت و اطلاع از طرز معالجات آنها در یکجا جمع شده مشاوره نمایند

دو نفر دواساز ماهر از دار الخلافه معین و مامور اردو میشود

یک نفر ناظر مریضخانه از دیوان معین خواهد شد

رئیس اردو مکان مریضخانه را بتصدیق اطبا معین خواهد کرد

چادر و منزل اطبا و جراحان توپخانه و افواج در جنب چادرهای مریضخانه خواهد بود

برای مرضای فوج هفت باب چادر قلندری و یکباب چادر مبال در مکان مصحا زده میشود

یکباب چادر سیرتبی برای مجمع اطبا و مشاوره آنها زده میشود

یکباب چادر یکسر طبل برای دواساز زده میشود

یکباب چادر قلندری مخصوص دواخانه

آتش پزخانه با تمام ملزومات آن از قبیل چادر و دیگ و طباخ و ظرف و غیره دو دستگاه

مخارج لازمه آتش پزخانه از خزانه نظامیه ماه بماه بتصدیق و اطلاع لشکرنویس

و امضای رئیس اطبای اردو داده خواهد شد و جیره مرضا مادامیکه در مریضخانه

هستند داده نمی شود

قیمت دوائی که حالا باطبا و جراحان داده میشود باید تحویل دواساز نموده

ماه بماه بحساب رسیدگی نمایند و آنچه کسر باشد خزانه دار بحکم رئیس اردو خواهد داد

فرش گلیم و تشک کتان از برای چادر مرضا داده میشود

برای هر چادری دو نفر از همان فوج بجهة پرستاری مرضا منتخب شده نفری سه تومان

علاوه مواجب مقرره بآنها داده شود و این پرستاران هیچوقت عوض نخواهند

شد که علم پرستاری را بیاموزند و از سایر خدمات معاف خواهند بود

یکنفر نایب اجودانباشی مخصوص ریاست مریضخانه از جانب دیوان معین خواهد شد

که همیشه مواظبت انتظام عمل مریضخانه باشد

شستن لباس و تنظیف منزل و رخت خواب مرضا با پرستارانست

و خرج شست و شو از دیوان داده می شود

اطبای افواج از پرستاری مرضای اردو که مشغول خدمت دولت هستند

از هر طبقه که باشد باید عیادت نموده در معالجه آنها اهتمام نمایند

سالی هشتصد دست پیرهن و زیر جامه بطرز مخصوص که معین خواهد شد تحویل

ناظم مریضخانه میشود و آنها را نشانی میزنند که هر وقت پاره شد اسقاط

آن را داده عوض بگیرد

در اول هر روز طبیب هر فوجی مریض فوج را باز دید کند کسانی که مرضشان

شدت ندارد در همان جا در خود شان بمعالجه بپردازد و آنها را که بامراض

شدیده مبتلا شده اند بمریضخانه بفرستند

اگر اردو از جائی بجائی حرکت کند اطبا افواج در عرض راه از پهلوی مرضا

دور نشوند و هر یک جعبه دوای مختصری با خود داشته باشد که در مقام ضرورت بکار برد

صرف روشنائی برای چادر مرضا داده میشود

چادر حمام با ملزومات آن در هر اردوئی دو باب

سقا مخصوص مریضخانه با ملزومات آن از قبیل راویه و پابو در مریضخانه هر اردوئی یک نفر

در وقت حرکت اردو بجهة حمل و نقل مرضا بقدر حاجت مال کرایه شود و در هر

اردوئی صد جفت پالکی موجود باشد که در مقام ضرورت معطلی حاصل نشود

فصل سیم

در جیره و مواجب و ملبوس و اسلحه و سایر تدارکات لازمه قشون و آن دو قسمت

قسم اول در باب قشون مامور

اولا مواجب سالیانه قشون بچهار قسط سه ماه بسه ماه چه از بابت تنخواه محلی قشون

بعد از وضع سه ماهه محلی و چه از بابت وجوه خزانه نظام همه را در اردوها تحویل

تحویلدار نظامی خواهند کرد و در حضور رئیس و نایب و اجودان باشی و لشکرنویس

بآحاد و افراد قشون بالتمام داده خواهد شد

ثانیاً سه دست ملبوس بین موجب داده میشود

ملبوس موجب خوانی در دو سال یکدست	ملبوس قدک در سال دو دست	کلاه ... در سال یک طاقه	چکمه و کفش
برنمه در دو سال یکدست			چکمه ربع — کفش ربع

ثالثاً جیره قشون ماه بماه یا نقداً بقیمت یومیه محل اردو و یا گندم بجنسه داده شود و جیره عوض راه بقیمت عادله محل حرکت داده خواهد شد

رابعاً ابتدای جیره از روز حرکت از خانه باشد

خامساً چون با این قرار حالیه و امتحاناتی که شده است الاغ نگاهداشتن سرباز موجب تفرقه حواس و حاضر نشدن در مشق و خدمت خواهد شد از دولت علی العجاله برای هر اردوئی موافق فوج هزار نفری پنجاه و پنج نفر شتر و بیست راس یابو و قاطر و فوج هشتصد نفری چهل و پنج نفر شتر و پانزده راس یابو و قاطر با صاحب جمعی که در اختیار رئیس اردو باشد از دولت مرحمت شود

در حاشیه قرار داده شد

چون واداشتن الاغ برای حمل و نقل بنه سرباز از جهات عدیده باعث زحمت و اشکال و مانع اجرای بعضی نظامات است لهذا [illegible] مقرر است که بعوض الاغی که الآن سرباز ... [illegible]

که هم بنه سرباز را از ولایت باردوها و بالعکس قرارها و ایابا نقل کنند و در وقت احضار افواج شتر با حکم احضار فرستاده خواهد شد که بنه سرباز را حمل و نقل نماید و هم در ایام توقف اردو در هر محلی بحمل سیورسات قشون مشغول و مأمور باشند

قسم دویم در باب قشون مرخص خانه

مواجب نوکر مرخص خانه شش ماهه داده شود و آن بر دو نوع است

نوع اول در ولایتی که شش ماهه محل دارند در همان محل بآنها برسد

نوع دویم در ولایتی که تمامه محل دارند پس ماهه را از محل دریافت و شش ماهه دیگر را دولت از خزانه کارسازی نماید مواجب سرتیپ و سرهنگ و مشرف سالیانه داده میشود

برای حصول اطمینان از رسیدن مواجب شش ماهه نوکر مرخص خانه هر ساله یک نفر از وزارت جنگ بهر ولایتی مأمور شود که روسای قشون مواجب ابواجمعی خود را باطلاع و استحضار او پرداخته طومارها بمهر گرفته بدفتر لشکر بفرستند

اخراجات شخص مامور در خورشانی که دارد در وقت ماموریت او از جانب
دولت داده خواهد شد و مقرر است که جبه و دیناری با سم تعارف نگیرد
سه ماه قبل از رسیدن موعد مرخصی اردوها از وزارت جنگ قسمت افواجی
که باید بهار دوی مامور شود با فواج مرخص خانه اخبار خواهد شد و میباید آن
افواج بعد از حاضر شدن یا ده بنچور برای پادان دادن و گرفتن سیورسات
عرض راه و غیره در محل توقف خود معطل نشده روانه محل ماموریت شوند و باید
چنان حرکت کنند که در روز موعد وارد اردوها شوند و اگر تعویق و تاخیری در
آن موعد بهم رسد اگر از حکومت شده است بر حاکمست که چه علاوه بنچور را
از خود کارسازی نماید و اگر از صاحب منصبان قشونست تنبیهات مقرره در
فصل تنبیهات در حق آنها مجری میشود

فصل چهارم

در وضع گرفتن و مدت خدمت و قرار افراری و آن مشتمل بر سه ماده است

ماده اول

بهترین وضع گرفتن قشون تحریر نفوس است و مادام که قرار آن بانجام
نرسیده است موقتاً قرار گرفتن قشون و معتبر کردن آن باین طور مقرر است
که صاحب منصب سر فوج با حاکم آن ولایت برضای مالک و ارباب و کدخدا
بتصدیق صاحب منصب کسر نفری سرباز را موافق معمول ولایت گرفته
و باید کدخدا و مالک التزام سپرده ضامن پاداری سرباز نشوند باین معنی
که هر سرباز کمتر از پانزده تومان علاقه نداشته باشد و از جانب اولیای دولت
حکم عمومی بجمیع حکام صادر شود که اگر سرباز از ولایتی بولایتی و یا از دهی بدهی
فرار کند بمحض اظهار صاحب منصب و مالک و نمایندگی آنها بدون مطالبه حکم مخصوص
سرباز را گرفته بدست صاحب منصب و مالک بسپارند و در هر قریه هر کس سرباز
فراری را نگاهدارد خود او را بسربازی خواهند برد و همچنین مقرر است که اگر سربازی
بخواهد زن و بچه خود را از دهی بده دیگر ببرد کدخدا و ارباب مانع شوند

ماده دویم در باب فراری

انچه کسر سرباز از ولایات گرفته میشود باید موافق قانون مرقومه فوق باشد والبته
فراری نخواهد شد و بعد از این هم سرچه عوض غایب و متوفی گرفته میشود تا وقتی
که اجرای تحریر نفوس نشده است بهمان قاعده باضامن خواهد بود و از این حکم
مستثنی نخواهد بود احدی از آحاد سرباز خواه آذربایجانی یا عراقی یا خراسانی و غیره
اما سربازی که حالا موجود است چون اغلب و اکثر باین قاعده گرفته نشده است و ضامنی
ندارند خاصه قشون آذربایجانی که عموماً داوطلب هستند برای عدم فرار آنها حکم از
جانب دولت صادر خواهد شد و بجمیع شهرها و بلدان ممالک محروسه که سرباز
دارند اعلام میشود که اگر سربازی از اردو یا از سر خدمت قراولی و ساخلوی بجائی
فرار کند کسان و منسوبان او بمحض اطلاع اگر بخانه خود آمده است بهر نحو هست او را
راضی کرده معاودت دهند و اگر تمکین نکند بحاکم ولایت اطلاع دهند که او را
گرفته محبوس سازد و اگر در این فقرات اهمال نمایند از جانب وزارت جنگ محصل مأمور
خواهد شد که خانه سرباز فراری را خراب کرده منسوب و کسانش را خواهند برد در سر

همان خدمت باشد تا سرباز را بعینه بدست آورده بصاحب منصب آن فوج
یا حاکم ولایت بسپارند بعد از آن هم بر عهده وکیل اول افواج است که بمحض فرار
کردن سربازی فوراً بسردسته خود و او بسرهنگ و سرهنگ بسرتیپ و او برئیس
کل اعلام نماید تا او نیز بوزارت جنگ اخبار کند که همین حکم را درباره سرباز
فراری اجرا دارند و این اعلام وکیل اول بسردسته و اعلام او بصاحب منصب
بزرگتر تا رئیس اردو باید بموجب نوشته و تاریخ روز و ماه باشد باین طور که هر یک
از اخبار کنندگان برای سند خود از بزرگتر خود نوشته رسید بگیرد تا اگر یکی از
این سلسله اعلام کنندگان اهمال در ادای تکلیف خود نموده باشد در حین رجوع
بآسانی فی الفور معلوم شود و سزای خلاف از سرجوقه تا سلطان و نایب
که تا حضور سرباز در جای او بکار سربازی مشغول گردد

مادهٔ سیم در باب مدت خدمت سرباز

قرار مدت خدمت سرباز را دولت در ده سال مقرر خواهد داشت باین نحو که موافق

قرار حالیه که باید دو سال بدو پسال از اردوها در سر خدمت عوض شوند شش
سال در اردوهای مشق و سرحدات مشغول مشق و قراولی باشند و چهار سال
در خانه خواهند بود و بعد از آن مرخص ابدی خواهند شد و ثبت اسامی آنها بدفتر
لشکر سپرده خواهد شد که در مقام ضرورت معلوم باشد و برای اجرای این
قانون که هم بر رعیت یکمرتبه تحمیل بزرگی وارد نیاید و هم عساکر دولت یکدفعه
عوض و جدید نشود در اول مأموریت که سر فوجی احضار میشود در رسیدگی خواهد شد
هر قدر متوفی و معیوب و بی‌مصرف باشد از وزارت جنگ حکم خواهد شد که عوض
آنها را بقاعده مقرره گرفته بفرستند و بفوجها ملحق نمایند و پیر و بی‌مصرف قدیمرا
اخراج نمایند و بعد از آن هر سالی یکربع از افواج مرخص خانه را از سربازان
بی‌پا و عوض متوفی و پیر و معیوب و سربازانی که مدت خدمت آنها بقاعده
مقرره گذشته شود که در وقت نوبت احضار ثانی باردوها کم و کسر و متوفی نداشته
باشند و از دولت برای هر اردوئی یکنفر سررشته دار مخصوص منسوب خواهد شد

از پانزده و پسال گذشته
باشد مشخص کرده اخراج
نمایند و عوض انها را

که اسامی نفری افواج را ثبت نماید و تاریخ برقراری هریک از آحاد و افراد
افواج را ضبط کند و تغییر و تبدیلی که اتفاق افتد ماه بماه سال بسال بوزارت
جنگ بدهد و یکسال قبل از رسیدن عده اخراجی هر سربازی صورت اسامی
سرباز و پدر و ولایت و قریه آنها را بوزارت جنگ بدهد که عوض آنها را از محل
هریک گرفته آماده سازند تا وقت مأموریت سفر شخص سرباز اخراج باشد عوض او بسفر رود

فصل پنجم

در تعیین مدرسه نظامی با جمیع لوازم آن در دار الخلافه که مخصوص تعلیم و تربیت
پیاده نظام و توپخانه باشد و در ابتدای بنای مدرسه و بعد از آن باتصال باید
عده شاگردان و لیکن کمتر از نود نفر نباشد که همه ساله سی نفر داخل مدرسه و سی نفر
تربیت شده داخل نظام شوند و علاوه براین از صاحب منصبان اردوی دار الخلافه
در نزد معلمین آنجا روزی دو ساعت بعد از مشق بدرس نظامی اقدام نمایند و نیز
همه ساله از پانزده نفر تا بیست نفر از اولاد نجبا و صاحب منصبان فقط برای

تعلیم علوم نظامیه مامور و تربیت شوند

فصل ششم

در تعیین مصلحت خانه عسکریه است که مرکب باشد از چند نفر اعاظم از نظام و غیر نظام بر حسب انتخاب و صلاح دید وزارت جنگ و همواره مراقب انتظام فقرات اربعه باشند

اولا سوای جمعه و دوشنبه و ایام متبرکه و محظوره بالاستمرار در عمل قشونی گفتگو کرده حاصل مجلس را در آخر هفته بوزارت جنگ عرض کنند -

ثانیا روزنامه قشونی که از اردوها و ولایات و نوشتجاتی که در باب عمل عسکریه بوزارت جنگ میرسد بمجلس میبندند که انچه در مجلس صلاح دانستند گفتگو نمایند و بعرض وزارت جنگ رسانیده اگر تغییر و تبدیلی لازم باشد داده بعد از عرض حضور همایون احکام آن را صادر نموده فورا بدون معطلی باردوها و ولایات بسپارند

ثالثا در کار قشون اگر چیزی بخیالشان برسد که موجب مزید استحکام و انتظام

امور قشون و مفید فایده و صرفه برای دولت باشد بنویسند و هفته یک روز بعرض وزارت جنگ برسانند

رابعا ثبت اوامر و احکامی که بجهة امور قشون صادر میشود و همچنین تاریخ حرکت و سکون قشون و اخراجی و برقراری سرباز را ضبط نموده نگاه دارند در موقع آن خلاف واقع شود

و مقرر است که این مجلس در دو جا منعقد شود یکی در طهران و دیگری در تبریز و رجوع مجلس منعقده در تبریز بمجلس منعقده در طهران باشد

فصل هفتم

ساختن راههای معظم و اتصال سیم تلگراف از اردوها بپای تخت همایون

باب دویم

در تکالیف نوکر و آن مشتمل بر چند فصل است

فصل اول

در تکلیف وزیر جنگ عهده وزیر جنگست که احکام و قوانین این کتابچه را تماما کاملا
اجرا بدارد و نقطه و نکته از آنرا مهمل و متروک نگذارد و در نظم و مشق و ترقیات
قشون خود را آسوده نگذارد و کمال مراقبت در نظم توپخانه و قورخانه و جبه خانه
و صاحب منصبان و آحاد و افراد لشکر از توپچی و قورخانه چی و سرباز و سوار بعمل آورد
و مواجب و ملبوس و سیورسات و سایر تدارکات عسکریه را از وقت و موقع
نگذراند و نگذارد که هیچیک از اجزاء دایره متعلقه بقشون از تکالیف و خدمات
مخصوصه خود اهمال و غفلت نمایند یا انحراف و عدول ورزند تکلیف وزیر جنگست
که پاداش خدمت و سزای غفلت و خیانت هر کس را چنانچه مقرر است بدهد
لازمست بر وزیر جنگ که همیشه بهر نحو که باید و شاید از بطون حالت قشون و اجرا
و عدم اجرای قانون اطلاع داشته باشد و در هر اردوئی قانون دار چند تعیین کند
که مفتش حالت مردم باشند و احوال هر کسی را از نیک و بد و بهر نحو رفتار
نمایند از روی صداقت بوزارت جنگ اخبار کنند

بر وزیر جنگ لازمست که دو سال یکمرتبه دو ماه قبل از انقضای موعد اردوها
اردوئی آدمی زیرک کاردان بغرض مأمور کند که در وقت مرخصی قشون اردو
باطلاع رئیس اردو بکم و کسر و سان قشون اردو رسیدگی کند و صورت کم و
کسر متوفای قشون را آورده و از حالت اردوها و صاحب منصبان کل و جزو
اطلاعات لازمه تحصیل نموده ملاحظه نماید که قوانین مقرره نظامیه کاملا مجری
شده و یا غفلت و اهمالی روی داده است گذارش اجزو بجزو بوزارت جنگ
اطلاع بدهد تا از وزارت جنگ بتقضای آن پاداش خدمت و سزای غفلت هر کس داده شود

فصل دویم

در تکالیف روسای اردوها

رئیس اردو میباید قشون اردو را هیچوقت بیکار نگذارد و در مشق و تربیت آنها
ساعی باشد و سرکرده سرباز و توپچی در اردو دوست باید همه روزه حاضر مشق
سازد مگر روزهای جمعه و ایام متبرکه و محظوره را تعطیل قرار بدهد باقی اوقات را

باید مشغول مشق و تعلیم باشند و اغلب روزها در میدان مشق حاضر باشند که بخوبی
و بد مشق افواج و توپچی رسیدگی کند و در مشق و تعلیم آنها سعی نماید و رسیدگی باسلحه
قشون کرده هرگاه از اسباب آنها چیزی مفقود شده باشد فوراً امر بساختن
آن نماید مگر اسباب جزئیه که سرباز باید غرامت بدهد

هفته یکروز بمریضخانهای اردو سرکشی نموده در نظم و پاکیزگی و مراقبت و اهتمام
اطبا و جراحان رسیدگی نماید و نگذارد که بخلاف دستورالعمل مریضخانه رفتار شود
افواج را ماهی دو مرتبه بمشق سلیک و دو مرتبه بمشق تیراندازی وادارد که
سربازان درست نشانه زدن را بیاموزند و همچنین توپچی را ماهی چهار دفعه بمشق
تیراندازی توپ وادارد

در هر هفته یکروز بدقت سرکشی بعمل توپخانه و قورخانه واردو بکند و توپخانه و قورخانه را
بسیار پاکیزه و منظف نگاهدارد و اگر کم و کسری داشته باشد فوراً بوزارت
جنگ اظهار دارد که عوض فرستاده شود

هفته سه روز بعد از مشق تا سه ساعت بغروب مانده جمیع صاحب منصبان اردو را
از سرتیپ الی سلطان بجهة تعلیم علوم نظامیه حاضر کند که در نزد معلمین مشق
جنگ و هندسه وغیره تا دو ساعت درس بخوانند و بعد از آن هر کسی که متعلق بکار
نایب و وکیل و سرجوقه است با آنها تعلیم و تلقین بنمایند که آنها نیز باحاد و
افراد توپچی و سرباز بیاموزند و نیز باید روزی دو نفر سرباز و ده نفر توپچی
بگمارد که مشغول ساختن فشنگ و بستن کیسه باروط و گلوله و طرقه و سایر لوازمات
توپخانه باشند و خود رئیس باشیار قورخانه رسیدگی نموده بدون انتخاب از هر جز
آن برداشته امتحان کند هر جنس آن که معیوب باشد فوراً بوزارت جنگ اعلام نماید

اگر از قشون اردو کسی غایب و فراری باشد فی الفور بتعاقب او فرستاده او را
بیاورد و حاضر خدمت نماید و تنبیه و سیاستی که در باب سرباز فراری مقرر است مجری دارد

باید اردوی جمعی خود را چنان مستعد و آراسته نگاهدارد که هر وقت حکمی باو رسد
در احضار و ماموریت اردو زیاده از پنجروز بجهة تعطیل کوچ اردو نداشته باشد

چند نفر آدمهای زیرک باسواد قرار بدهد که قانون دار باشند و مراقبت نمایند
که اگر کسی بتکلیف مقرره خود رفتار نکند و یا تخلف از قانون کتابچه دستور العمل
نماید فوراً برئیس اردو اعلام کنند

تکلیف رئیس اردو است که مراقب باشد تکالیفی که برای صاحب منصب و افراد
لشکر نوشته شده ترک نشود

رئیس اردو قدغن کند و مراقب باشد از اهل قشون اسلحه دیوانی تماماً او جزءاً
بغیر از مشق یا خدمت دولت در جای دیگر استعمال نکنند و قدغن نماید که توپچی
و سرباز بکاسبی از قبیل نانوائی و بقالی و قصابی مشغول نشوند و آنچه متعلق
بصنعت است از قبیل کفش دوزی و نجاری و آهنگری و خیاطی و امثال آن
عیب ندارد و سهلست چون در سر جاهای فوج بکار می‌آید مطلوب و پسندیده است
و عملگی برای سرباز و نوکر دیوان تقصیر است و باید تنبیه بشود

دواب و بارکش دیوانی را اعم از عراده یا شتر که برای قشون معین شده رئیس

اردو غیر از حمل و نقل سیورسات قشون نگذارد بکار دیگر اقدام نمایند و مباشر
عراده و شتر هم نباید از اطاعت رئیس اردو تخلف و تجاوز کند

بر رئیس اردو است که احتساب اردو را سخت کند و نگذارد جنگ و نزاع
و قماربازی و شراب خوری در اردو بشود و اگر کسی مرتکب شود احکام شرع را
بفتوای حاکم شرعی که در اردو است براو جاری سازند

نباید از قشون بدهات حول و حوش یا رعایائی که بجهة معاملات باردو می‌آیند
جبر و تعدی واقع شود در صورت وقوع بر رئیس اردو واجبست که بتقاضای عدل
و حق بدون اغماض و پرده پوشی رفع کند و اگر چیزی از رعایای دهات یا کسانی
که باردو برای معاملات می‌آیند بگیرد ماخوذه را مسترد ساخته بصاحبش بدهد

در هر اردوئی که فوج مهندس نباشد از هر فوجی پنجاه نفر باسواد زیرک رئیس
اردو منتخب نماید و بدست معلم هندسه بسپارد که همه روزه علم هندسی را بآنها
علماً و عملاً بیاموزد و رئیس اردو مواظبت کند که هم درس هندسی بخوانند و هم

عمل آن را از قبیل کندن سنگر و باستیان و خط متوازی و قلعه فوری و ماریچ و غیره بعمل آورد
در سرار دوی یکنفر عالم پیش نماز بتصدیق حکام شرع گذاشته شود و بر رئیس
اردو پاس احترام شرع شریف لازمست میباید اهل اردو را بنماز جماعت
وا دارد و در ایام عاشورا بلوازم تعزیه داری اقدام کند و در احکام و اجرای
قواعد شریعت مطهره اهتمام نماید و نگذارد کسی بخلاف شرع عمل کند
رئیس اردو نباید طمع در مواجب و مرسوم قشون کند بلکه تعارف از قشون
قبول نکند و نگذارد احدی از مواجب و مرسوم قشون حبه و دیناری اخذ و طمع
کند طمع کننده در مال قشون هر کس باشد در دفعه اول بالمضاعف از او دریافت
خواهد شد در دفعه ثانی بالمضاعف وجه ماخوذه را خواهد داد بعلاوه یکماه حبس در دفعه
ثالث استرداد وجه ماخوذه بالمضاعف و عزل و شش ماه حبس خواهد بود
و از تکالیف رئیس اردو رسیدگی بعمل سواره است سواره دولت دو حالت
دارد یا مامور سرحدات و ولایات میباشند یا متوقف مرخص خانه در صورت

رئیس ارد

رئیس اردو سواره ولایتی را که از حیثیت مسافت اقرب باردوی او هستند
در ایام تعلیف احضار کرده که پالی دو ماه متوقف اردو باشند و چهره و مواجب
و اسقاط اسب و سایر تدارکات آنها را بتفصیلی که در دفتر لشکر معین شده
موافق قانونی که برای رسانیدن چهره و مواجب و سایر مهمات پیاده نظام
مقرر است فردا فرد آنها برساند و اسب و اسباب و اسلحه آنها را باز
دید کرده عیب و نقص و معایب آنها را رفع و اصلاح کند و مواظبت نماید
که لباس و دسته جات سواره چنانچه مقرر شده یکرنگ باشد آنچه را که موافق
حکم وزارت جنگ باید مامور نماید بمحل ماموریت بفرستد و آنچه را که باید
متوقف خانه باشند مرخص نماید و بعد از اجرای این تکالیف ثبت اسامی
و صورت عمل و تفصیل احوال و نیک و بد آنها را نوشته بوزارت جنگ بفرستد
رئیس اردو باید هفته دو دفعه جودان باشی اردو را بمریضخانه بفرستد که هم
از جانب رئیس عیادت کند و هم از احوال مرضا جویا شود که اطبا آمده اند

و دستور العمل داده اند یا نه و روزنامه مریضخانه را بجهه رئیس ببرد

فصل سیم در تکلیف قپان و سرهنگان پیاده نظام

تکلیف سرقپان و سرهنگانست که اطاعت وزیر جنگ را با کمال صداقت و راستی بر خود واجب دانسته بهیچوجه من الوجوه امری از امور راجعه بخدمات محوله خود را از وزیر جنگ پوشیده و پنهان ندارند و نسبت باو صدق محض و ارادت صرف باشند

هر روز فوج جمعی خود را مشق وادارند

روزی یکدفعه روزنامه برئیس اردو بدهند

مرضای جمعی خود را بمریضخانه بفرستند

هفته دو دفعه ملبوس و اسلحه فوج رسیدگی نموده اگر عیب و نقصی داشته باشد برئیس اردو اعلام نمایند

مسکن و مکان فوج را اهتمام نمایند که پاکیزه باشد

ازمیان فوج خارج نشوند مگر بضرورتی

هیچیک از صاحب منصبان جزو و افراد جمعی خود را بخدمت شخصی مأمور نکنند

احدی الی توانند بدون اذن دولت اخراج نمایند

مراقب باشند که هیچوقت چه در هنگام سان و چه در سایر اوقات سرباز عوض و بدل در فوج نباشد

ساعی باشند که عقب مانده نداشته باشند

اگر سرباز فراری در فوج بوده باشد فوراً برئیس اردو اعلام نمایند

دیناری با پسیم رشوه نه از کسی بگیرند و نه بکسی بدهند

حبه و دیناری از جیره و مواجب سرباز طمع نکنند

مواظبت داشته باشند که در فوج جمعی خود شراب خوری و قماربازی نشود و اگر کسی مرتکب شود حد و تنبیهات مقرره را براو جاری نمایند

در ایام حرکت با رعایای عرض راه کمال سلوک را مرعی دارند و نگذارند جبه

و دنیاری از صاحب منصب و سرباز تعدی و ستمی بر رعایا وارد آید
افراد جمعی خود را از کسب و فعلگی و مزدوری و بقالی و امثال آن منع نمایند مگر
آنچه متعلق بصنعت است که اگر ترغیب کنند بهتر است
باید مراقب باشند که روزنامه که بوزیر جنگ یا رئیس اردو میدهند بی تخلف
و بیان واقع باشد و در این باب جد کافی داشته باشند
خدمات و خیانت صاحب منصبان جمعی خود را از روی بیغرضی بوزارت جنگ
و رئیس اردو عرض و معلوم نمایند و چون دولت چنانکه خود را برای سزای تقصیر
و خیانت از هر کس که صادر شود مهیا کرده است کذلک حاضر است برای
اینکه هر خدمت نیز که از هر کس مشاهده کند جزای نیک آنرا بآن خادم بگذارد بدون
هیچ مضایقه بدهد لهذا تکلیف لازم صاحب منصبان خواهد بود که خدمات هر کس را
کائناً من کان حتی از آحاد سرباز چه در میدان جنگ و چه موارد دیگر بتقدیم
برسانند بصداقت تمام بوزارت جنگ و رئیس اردو معلوم نمایند که دولت

سزای خدمت را بهر درجه که مقتضی باشد در حق آن خادم معمول دارد تا احدی تصور
آنرا نکند که خدمت او در نزد دولت مجهول و بلاعوض خواهد ماند

فصل چهارم در تکلیف صاحب منصبان جز و پیاده نظام

تکالیف صاحب منصبان جزو از سرجوقه و وکیل تا سردسته نسبت بسرتیپ و سرهنگ
بعینها همان تکالیف سرتیپ و سرهنگ است نسبت بوزیر جنگ و رئیس اردو

فصل پنجم در تکالیف آحاد پیاده نظام

هر فردی از افراد لشکر باید خود را حافظ شریعت و حامی و مقوی ملت بداند و با
کمال غیرت و عصبیت ملتی و دولتی اقدام و کوشش بخدمت کند و تکالیف مقرره
خود را بعمل آورد و در دینداری خود محکم و ثابت قدم باشد و خدمت دولت را
محض قوت و حفظ شریعت بکند و در زمان مأموریت از خدمت فرار نکند و برای
مرخصی از خدمت یا گرفتن عوض و بدل رشوه و تعارفی بکسی ندهد و ایام خدمت
خود را با شوق تا بانتها برساند و در جنگ پشت بدشمن ننماید و برای خود و ملت

نگ بار نیاورد

تکلیف سرباز است که در اردوهای مشق و ماموریت سرحدات جز روزهای تعطیل در سایر ایام موافق اخبار نظامی برای مشق حاضر شود و در وقت مشق صحبت نکند و حرف نزند و گوش خود را به آواز فرمانده کل فرا دارد و حواس خود را جمع کند که هر مشقی میدهند زود بیاموزد و بحافظه بسپارد که فراموش نکند و حسب المقرر میباید سرباز ماهی چهار دفعه در هر جا باشد مشق تفنگ اندازی بکند

بر سرباز لازمست که اسلحه و ملبوس خود را پاکیزه و بیعیب نگاه دارد و مراقب باشد که از اسلحه دیوانی چیزی مفقود نکند که غرامت آن بگردنش وارد آید اگر در میدان مشق و جنگ چیزی از اسلحه سرباز ضایع و مکسور شود بعد از معاودت از میدان فوراً آنرا بوکیل و سلطان تسلیم نماید که او تفنگ ساز و چخماق ساز فوج بدهد که در همان روز مرمت کند و هرگز مرمت اسلحه خود را بروز دیگر نگذارد و سرباز باید باز کردن و پاک کردن تفنگ را از معلمین بیاموزد و همیشه

آچار و کاغذ پرداخت که از دیوان باید داده شود با خود در کوله بار داشته باشد که هر وقت لوله تفنگ یا اسباب آن چرک میشود یا زنگ میگیرد فوراً باز کرده پاک کند و همیشه براق و شفاف نگاه دارد

سرباز نباید اسلحه دیوانرا هرگز غیر از وقت مشق و جنگ بکار دیگر استعمال کند خواه بالتمام باشد یا بعضی از آنها مثل سرنیزه و سنبه و غیره اعم از اینکه در رکاب و اردوهای مشق باشد یا در سرحدات

سرباز هرگز نباید تفنگ خود را در حالتی که قراولست بر زمین بگذارد و باید بدیوار تکیه دهد یا بر روی بال و عراده بگذارد بلکه اگر قراولست یا راهی میرود در دوشش باید باشد و الا در چاتمه باید باشد مگر سرباز مریض که در اول ناخوشی باید تفنگ خود را بصاحب منصب خود بسپارد

سرباز در ایام ناخوشی نباید هرگز اسباب و اسلحه دولت را از قبیل کوله بار و ملبوس زیادتی و غیره از یکدست ملبوس که پوشیده است با بالاپوش چیز

دیگر در نزد خود نگاه دارد و هرچه هست همه را باید بصاحب منصب بسپارد
و بعد از رفع ناخوشی پس بگیرد در این مدت هرچه عیب بکند و مفقود شود غرامت
بر عهده صاحب منصب است و بر عهده صاحب منصب است که ملاحظه و رعایت
این امر را بکند و اگر سرباز فراموش کرده باشد صاحب منصب اسباب را بگیرد

خدمت احدی از آحاد ناس بذمه سرباز نیست الا خدمت دولت و هیچ صاحب
منصبی از صاحب منصبان کل و جزو حق ندارد که سرباز را بخدمت شخصی خود
امر کند یا اسباب جلال خود قرار دهد مگر آنچه برای صاحب منصبان معین شده

قراول باید از وقتی که صاحب منصب قدغن میکند نباید احدی بگذارد از آن
محل عبور و مرور کند هرکس باشد باید در همان مکان در پای چاتمه نگاه دارد
تا هر وقت که صاحب منصب برسد و بصاحب منصب بسپارد خواه در شهرها
و قراولخانه ها باشد و خواه در اردوهای مشق و جنگ

سرباز در ایام ماموریت خدمت اعم از رکاب یا اردوهای جنگ و مشق یا
سرحدات نباید هیچ کسب و مزدوری و عملگی و غیره اشتغال ورزد و باید جمیع
اوقات خود را صرف تعلیم و تحصیل خدمت کند خاصه در وقتی که ملبس
بلباس نظامست نباید بکاری مشغول باشد غیر از خدمت دولت

سرباز باید احتراز کند از اعمال خلاف شرع از قبیل شرابخوری و دزدی و قمار
بازی و شرارت و هرزگی و غیره و حتی المقدور بنماز جماعت حاضر شود

سرباز نباید با خود مال السفر بردارد و جمع نه و اسباب او را بقدری که مقررست
بعراده و دواب دیوانی حمل خواهند کرد

سیورسات قشون برای منازل عرض راه بقیمت عادله محل ماموریت از دولت
داده خواهد شد در هر صورت سرباز نباید از دهات عرض راه چیزی از کسی
مطالبه و ماخوذ دارد مگر هرچه ضرور دارد قیمت آزاد داده خریداری نماید و با
ساکنین دهات عرض راه با کمال حسن سلوک رفتار نماید و نباید با احدی اذیت
و آزار برساند ساکنین دهات عرض راه نیز باید با سرباز در بیع و شری

ومعاملات بمسالمت رفتار کنند و زیاده از آنچه در ده روز قبل از ورود سرباز
میفروختند نفروشند

خود سرباز ماذون نیست که در منازل عرض راه زیادتر از یکشب توقف کند
مگر در صورت وقوع مانع بزرگی از قبیل برف و باران و کولاک شدید یا جایی
باشد که در پیش رو منازل بی آب و آذوقه باشد و برای تهیه آب و آذوقه و
امثال آنها بمانند و الا بدون مانع بزرگی اگر در جایی توقف نمایند هر چند روز
بمانند حق سیورسات نخواهند داشت و داده نمیشود

تکلیف هر فردی از افراد سرباز اینست که بداند در عرض سال چه قدر مواجب
و سیورسات و تدارک و ملبوس باو داده میشود باین طور که هر یک از آحاد سرباز
باید یک دستک سفید کوچکی با خود داشته باشد و بدهد مشرف بخط خود مبلغ و مقدار
مواجب و سیورسات وغیره که از دیوان باید باو برسد در همانجا نوشته مشخص کند
بعد از آن هر وقت هر چه در آن سال بسرباز میرسد در پهلوی آن اگر خودش

صاحب خط است بخط خودش و الا بخط رفیق و آشنای صاحب خطی که دارد
و الا بخط آردل و وکیل یا مشرف بنویسد در آخر اگر آنچه مشرف نوشته باو رسیده است
فبها و الا اگر چیزی باقی مانده باشد از صاحب منصب خود مطالبه کند اگر صاحب منصب
بگوید از دیوان نرسیده و در مطالبه آن از سرهنگ و سرتیپ اهمال کند سرباز
میتواند عرض خود را بسرهنگ و سرتیپ برساند اگر آنها هم باهمال گذرانند و چاره نکردند
سرباز میتواند بلا واسطه برئیس قشون آن اردو عرض کند و اگر یکی از صاحب منصبان
جز و از آردل و وکیل و نایب و سر دسته دخل و تصرفی در مواجب و ملبوس و
تدارکات قشون کرده باشند تکلیف سرباز است که حق خود را اولا باکمال
احترام مطالبه نماید اگر دادند فبها و الا بهیچ وجه من الوجوه نباید بحرفی و یا امری
که منافی احترام صاحب منصب است رفتار نماید بلکه تکلیف سرباز در چنین موردی
اینست که بدون ظهور هیچ نوع بی ادبی و خلاف احترامی نسبت بصاحب منصب
خود در رقعه تفصیل احوال را برئیس اردو معلوم نماید تا رئیس اردو بمقتضای تکلیف خود

رفتار نماید و اگر از رئیس اردو تکاهلی در ادای حق اینها ظاهر شود اجازه خواهند
داشت که شرح حال خود را نوشته بتوسط دو نفر بوزارت جنگ و یا بمجلس
شورای نظامیه بفرستند

و باید سرباز بداند که اگر از دست صاحب منصب خود عرض خلاف نماید تنبیهی
که مقررات نسبت باو مجری خواهد شد

تکالیف و تفصیل مواجب و جیره صاحب منصبان جزو و کل و افراد سرباز در کتابچه
مخصوص علیحده نوشته و طبع شده بصاحب منصبان و آردل و کیلهای فوج
داده میشود که در هفته یکدفعه برای افراد قشون خوانده و مذاکره شود که هر کس
تکلیف خود را کاملا بداند

حدود و تنبیهات

تنبیهات آحاد و افراد سرباز و توپچی الی سرجوقه و وکیل بر دو نوعست آنچه منافی
شرعی است اگر مرتکب شود حدود و احکام شریعت بر آنها جاری خواهد شد و اگر

خلاف نظامی مرتکب شود به تنبیهات مفصله نظامی دوچار خواهد شد

اگر رئیس اردو در اجرای قوانین کلیه و ادای تکالیف عمده خود و تربیت عساکر
اردوی ابواجمعی خود از روی عمد غفلت و اهمال نماید بعد از اثبات غفلت
و قصور او بحکم وزیر جنگ از ریاست اردو معزول و از رتبه که دارد
یک درجه تنزل مینماید

اگر سرتیپ یا و سرهنگها از تکالیف مختصه محوله بخود از قبیل حفظ نظم و تربیت ابواجمعی
و ماموریت خود اهمال و غفلت کنند بتفاصیل یکدرجه از رتبه که دارند تنزل خواهند
کرد و اگر نسبت برئیسی که باو سپرده اند خلاف اطاعتی ظاهر نمایند یا از جیره و
مواجب نوکر ابواجمعی خود بخورند یا رشوه و تعارفی از آنها بگیرند بعد از اثبات
تقصیر از منصبی که دارند معزول شوند

اگر شهری یا قلعه و اردوئی بیورش گرفته شود و از اهل نظام از جای خود بجهت

یغماپرون بود عقوبتهائی که بحکم رئیس قشون که فرمانده یورش بوده است و
اعلان شده درحق او مجری خواهد شد

هر تحویلدار و صاحب منصب که در دادن جیره و مواجب و تقسیم سایر چیزها عدد
قشون را خواه در راه و خواه در میان لشکر و خواه در حالت مستحفظی زیاده از
آنچه حاضر باشد قلمداد نموده باشد و زیاده از نفری قشون حاضری دریافت
کرده مستحق یکسال حبس نظامی و آنچه هم زیادی گرفته باشد از او استرداد مینمایند

هر اهل قشونی و یا تحویلداری بعد از آنکه از سیورساتی که بجهة قشون تحویل او
میشود کسر بدهد بی داشتن عذر موجه و گرفتن رشوه و تعارف سیورسات بد
بگیرد باید از شغل خود معزول گشته یکسال در حبس بماند و اگر عوض کند تفاوت
قیمت سیورسات از او دریافت میشود

هر ماموری مباشری که قبض علی درست کند و یا شبیه خط کسی را با تقلب
بسازد یکسال در حبس بماند و از نوکری اخراج شود

هر انباردار قورخانه و توپخانه که از اشیاء تحویلی خود چیزی سرقت کند یکسال در زنجیر
بماند و قیمت اشیائی را که برداشته و یا عوض نموده است کارسازی نماید

هر یک از اهل قشون از خانه شخصی که در آنجا منزل داشته چیزی سرقت نماید یک
سال باید در زنجیر بماند و صد تازیانه بخورد و مال مسروقه را پس بدهد

هر کس از اهل قشون که از راه مکر و تزویر خوراک و مشروبات خود را از اهل دهی
و یا شهری خواه در راه و خواه در مستحفظی و خواه در حالتیکه قشون را بجهة سهولت کار
و وسعت مکان قسمت نموده بدهات میفرستند بی پول گرفته است عیناً یا غراماً
پس بدهد و سه ماه در حبس بماند اگر تهدید و وعید گرفته است شش ماه و اگر جراحتی
رسانده و یا بالاتر از آن باشد بموجب حکم شرع رفتار خواهد شد

هر گاه از اهل قشون در مکانی که باشد و مخل امنیت آن مکان گردیده و متعرض
آزادی ساکنین آنجا شود شش ماه باید در حبس بماند و اگر کسی را هم زده باشد
ضعف آن تنبیه شود

هرگاه از اهل قشون سرحدداران و یا ساکنین سرحدات را ترغیب کند که از مکان
خودشان بیرون رفته بسمت دشمن روند دو سال در زنجیر بماند

هرگاه از اهل قشون که در هنگام پاسبانی و یا طلیعه داری در مقابل دشمن بعوض
اینکه دستور العمل خود را بجا بیاورد بخیال حفظ جان و سلامتی خود بی اجازه صاحب
منصب از جای خود بیرون رود سزاوار قتل خواهد بود

هرگاه کسی از اهل قشون از جمله مفسدین بوده و از برای تمهید فساد مجمعی نموده باشند
و سر رفقای خود را افشا و آشکار نماید هیچوجه مستحق تنبیه نخواهد بود و از مفسدین محسوب نمیشود

هر کس از اهل قشون که بدون رخصت نامچه از سرکرده خود چنانچه در فصول
گذشته ذکر شد خواه در اردو و خواه در قلعه و مکانیکه در حالت محصوری باشد در
سمت مقابل دشمن از حدی که فرمانده تعیین و عبور از آنجا را قدغن
کرده است پا بیرون گذارد سیصد تازیانه میخورد

هرگاه از اهل قشون بطور قطع دانسته شود که برای دشمن جاسوسی میکند صاحب

شغل

شغل باشد باید مقتول شود

هرگاه از اهل قشون که در هر مملکت باشد به تنهائی یا باتفاق چندین نفر سلاح در
دست بجهة یغما در خانها و املاک ساکنین آنجا رفته و یا بر سر مردم ریخته اموال
آنها را نهب و غارت نمایند یا خرمن و انبار آنها را آتش بزنند سزاوار پانصد
تازیانه و سه ماه حبس خواهد بود و اموال منهوبه بعینها و یا بغرامتها از آنها
استرداد میشود

هرگاه از اهل قشون بدون استثنا در هر یکی از ممالک و ولایات خارجه باشد
به حجرها و انبارها و خانهای صحرائی و یا مسکونی و آبادی و سایر ابنیه عمومی
و یا مخصوصی غله و حاصل که جمع گردیده و یا در حالت جمع شدن باشد بی اذن
و اجازه مکتوبی فرمانده آتش زده باشد سزاوار تنبیه شدید و یکسال حبس خواهد بود

هرگاه از اهل قشون بخلاف حکم رئیس اردو در هنگام جنگ و یا بعد از جنگ
کسی را که در مقاتله بقتل رسیده باشد در معرکه قتال برهنه نماید عقوبت در حق او

صد تازیانه خواهد بود

هرگاه از اهل قشون در میدان جنگ بعد از محاربه یا در وقت محاربه کسی را که از حالت و قوت جنگ افتاده و لی هنوز رمقی در وی باقی باشد برهنه نماید یکماه در قلعه اول خواهد بود و اگر از اردو بازارچی ها و یا غیر اهالی نظام مرتکب این عمل بشود مستوجب یکسال حبس است

اگر از مباشرین عراده ها و یا صاحب جمعان بارکش های دیوانی عراده ها و شترهای دیوانی را بغیر از حمل و نقل بنه و سیورسات سرباز و قورخانه و سایر مهمات اردو بکار دیگر وادارند هر مدت که بکار برده اند کرایه و علیق و علوفه و جیره و مواجب و استعاط و تدارکات دواب جلودار و مهتر و ساربان و غیره آن مدت را علاوه بر کرایه از آنها بگیرند و بعد از یکماه حبس از منصب معزول شوند

هر صاحب منصبی که از سرباز و صاحب منصب جزو رشوه بگیرد در دفعه اول در حضور صاحب منصبان اردو وجه ماخوذه را از او دریافت و او را توبیخ نمایند و در دفعه ثانی مقابل وجه ماخوذه از او دریافت و یک درجه از رتبه که دارد تنزل نماید

تنبیهات فراری قشون

اگر در وقت احضار سفر فرار کند پانصد تازیانه باو زده میشود و دو سال بمدت خدمت او می افزاید و هر کسی که او را گرفته بیاورد سه تومان باو داده میشود و اگر از میدان جنگ فرار کند حکمش قتل است

و اگر از اردو یا پیشکر یا عرض راه ماموریت بسفر جنگ فرار کند هرگاه فرارش بجانب دشمن است هرچه مایملک اوست ضبط میشود و هر وقت بدست بیاید حکمش قتل است و اگر بداخله مملکت است پانصد تازیانه باو زده میشود و دو سال مدت خدمتش می افزاید و هر کس او را گرفته بیاورد پنج تومان مستمری در حق او برقرار میشود و هر کس او را پنهان کند دو سال در حبس خواهد بود که روزها مشغول عملگی کار دولتی باشد و شبها در زنجیر باشد

واگر با اسلحه فرار کرده باشد اسلحه را عینا یا غرامتا از او میگیرند و سه
سال بمدت خدمت او افزوده می شود

واگر از اردوهای مشق یا از رکاب یا از ساخلوی ولایات فرار کند سیصد
تازیانه میخورد و سه ماه در حبس نظام خواهد بود واگر کسی او را پنهان کند یکسال
در حبس خواهد بود که روزها مشغول عملگی کارد و لتی و شبها در زنجیر باشد

واگر سرباز در وقت مشق از طلوع آفتاب تا غروب روز دیگر در میدان مشق و
در سر خدمت بدون علتی حاضر نشود پنجاه تازیانه خواهد خورد

سرباز اگر در میدان مشق در وقتیکه فرمانده حکم میدهد و مشغول مشقند
صحبت بدارد و یا حرف بزند بیست چوب از روی لباس او میزنند واگر حرکت کند
و تغییر در ایستادن خود بدهد ده چوب دیگر بر آن افزوده خواهد شد

اگر سرباز رشوه بصاحب منصب بدهد و مرخص شود دو مساوی ایام غیبت
بمدت خدمتش افزوده می شود

سرباز در قراول دو ساعت زیادتر نباید بایستد وکیل و سرجوقه بعد از دو ساعت
باید او را عوض کنند واگر نکنند و از وقت بگذرد صد تازیانه میخورند

اگر سرباز در وقت نوبت قراولی نخوابد یا بر زمین بنشیند و یا تفنگ خود را
بر زمین و دیوار بگذارد که از دوشش بر دارد پنجاه تازیانه خواهد خورد

اگر سرباز در وقت ماموریت بکار دیگر غیر از خدمت دولت از قبیل مزدوری
و عملگی و کسب مبادرت کند یکصد تازیانه خواهد خورد بعلاوه که وجه کسب هم از او دریافت میشود

اگر سربازی بعد از اعلام صاحب منصب از قراولی غفلت کند و در خواب
باشد یا در جای خود نه ایستاده باشد صد تازیانه خواهد خورد واگر رشوه بگیرد
و اذن بدهد کسی شب از جائی ممنوعست بگذرد دویست تازیانه خواهد خورد
اگر در اردوی جنگ باشد پانصد تازیانه خواهد خورد و شش ماه در حبس خواهد بود

اگر کسی بزور از قراول بگذرد و از صاحب منصبان بزرگ درباری باشد بیست و
پنج تومان باید بدهد واگر غیر صاحب منصب باشد دویست چوب فراشی میخورد

در صورتیکه جراحتی بقراول سبد این شبه در حق اشخاص مذکوره بالمضاعف
خواهد شد و دیه شرعی اینز بسرباز میدهد

اگر سرباز اذیت و خسارت مالی بکسی وارد بیارد و بتقلب از کسی چیزی بگیرد
استرداد وجه ماخوذه خواهد شد و دویست تازیانه خواهد خورد و هرگاه در آن
اخذ صدمه هم زده و تهدیدی بکار برده باشد سیصد تازیانه خواهد خورد و وجه
ماخوذ را هم عینا و یا غرامتا رد خواهد کرد و اگر زخم هم زده باشد و زخم منکر
نباشد حدود شرعیه براو جاری میشود

اگر سرباز بجهه طفره از جنگ خود را پنهان کند و در پای بیدق در میدان
جنگ حاضر نشود دویست تازیانه خواهد خورد

هرگاه از اهل قشون در هنگام پاسبانی و یا پیش قراولی در مقابل دشمن بخیال
حفظ جان از جای خود بیرون رود و یا از میان قشون و یا قلعه که در سرحد
مملکت واقع شده فرار کند حدود وارده در شرع انور در حق او مجری شود

تنبیهات قشونی که عصیان ورزند

هرگاه قشونی از اهل نظام و غیره نظام کلی یا جزئی حالت شورش و عدم اطاعت را
ظاهر سازند از جانب وزارت جنگ یا رئیس او تنبیهات مفصله در حق آنها جاری خواهد شد
اولا بقدر کفایت تنبیه قشون عاصی از عساکر حاضره در آن محل با اسلحه حربیه
حاضر میشود بعد از آن سردار قشون حکم خواهد داد که در برابر قشون عاصی منادی
با آواز بلند ندا کند بطوریکه جمیع قشون عاصی بشنوند که (قشون عاصی اسلحه از
دست فرو گذاشته بدایره اطاعت درآیند پیش از آنکه مثل دشمن ملتی با آنها
رفتار شود تا ساعت معین که سردار قشون مشخص کرده است بروند از سیاست
معاف خواهند بود و الا جمیع عساکر نظامی وقتی که حاضرند بجهه حفظ ناموس
سلطنت و قانون نظامی مبادرت بجنگ خواهند نمود) و سه مرتبه آن منادی
همین ندا را هر دفعه بفاصله نیم ساعت خواهد کرد هرگاه قبل از ندای منادی
قشون عاصی بمحض رویت اجتماع عساکر مامور اقدام تجاسر نمایند سپر کرده
کل تدبیراتی که بجهه مطیع نمودن آنها لازم داند بکار برد

سربازهائیکه بعد از ندای اول باطاعت درآیند وبدون سلاح بمکانی که بانها
نشان داده شده است بروند از تنبیه آنها عفو واغماض میشود وآنهائی که
بعد از ندای دویم اطاعت کنند سه ماه درحبس نظامی خواهند بود
وصاحب منصبانی که با آنها متفق بوده اند درصورتیکه یقین قطعی حاصل
نشده باشد براینکه محرک وباعث برعصیان آنها هستند شش ماه درحبس
خواهند بود واگر یقین قطعی حاصل شود که آن صاحب منصبان محرک بوده اند
از منصب معزول شده پانصد تازیانه میخورند ودو سال درحبس خواهند بود
واگر بعد از ندای سیم باطاعت آیند قبل از مبادرت بحرب صاحب منصب دو سال
وتابین یکسال درحبس خواهند بود وعلاوه برآن بعد از بیرون آمدن از حبس
صاحب منصب یکدرجه از منصب خود تنزل خواهد کرد ودو سال هم
بر مدت خدمت تابین افزوده خواهد شد

خاتمهٔ کتاب که درحقیقت قوت وروح فقرات مرقومه است

درامتیاز

در امتیازات مخصوصه وپاداش خدمات صاحب منصبان وافراد لشکر شک
وشبهه نیست ومحقق است که حافظ وحارس هر دولت وملتی قشون آن دولت است
واین طبقه علاوه بر تحمل مشقت وسختی وزحمت سفرها ودوری از بلاد واوطان
واقوام واقارب خود جان وعمر خود را برای حفظ وحراست دولت وملت و
امنیت وانتظام حدود مملکت بذل وصرف مینماید پس برتری وتفوق وامتیاز
واختصاص طبقه لشکر بر سایر طبقات مردم بدلایل عقلیه ونقلیه ثابت و
مسجل است وبرای ترغیب وتشویق افراد لشکر بهترین تدبیری که بکار برده اند
وباید برد این است که شخص اورا محترم بدارند وامتیازات مخصوصی برای
او قرار دهند وآن امتیازات را بحدی باشان وعظمت نگاه دارند که از صاحب
منصبان بزرگ گرفته تا افراد لشکر دادن جان خود را در ازای آن امتیازات حقیر
شمارند بنابراین دولت علیه قشون را گرامی خواهد داشت
ودر هر موردی سایر طبقات نوکر ورعیت مقدم ومرجح خواهند بود

و بغیر از وزارت جنگ و صاحب منصبان بالاتر نسبت به پست تر هر یک
علی قدر مراتبهم دیگری آنها تحکم نمی تواند نمود

واحدی آنها را امور تنبیه و سیاست و مواخذه بدون حکم شرع و قانون
نظامی نمیتواند ساخت

و سوای مالیات مقرره دیوانی از جمیع صادر و عوارض ولایتی و حکومتی معاف
و مسلم خواهد بود

و در مجالس و محافل و معاشرت از افراد خود که داخل سلک قشون نیستند بر
سایر طبقات مردم برتری و تقدم خواهند داشت

و سوای وزارت جنگ از سایر وزارتخانها و حکام و مباشرین ولایات محصل
بر آنها نمیتواند گماشت

مخارج و مواجب و جیره قشون از کارگذاران امور دیوانی ولایات تقدم
بر جمیع مخارج دولت خواهند داشت

از تابین تا سردار عموما با متیازات مذکوره فوق نایل خواهند بود

پاداش خدمات تابین یاور

هر توپچی و هر سربازی که بتصدیق سرکرده خودش رشادتی در جنگ ظاهر کرده باشد
در دفعه اول مستحق نشان رشادت با دو تومان تفاوت مواجب خواهد بود
و در دفعه ثانی بمنصب سرجوقگی خواهد رسید

هر توپچی و هر سربازی که ایام خدمت خود را بدرستی و بدون ارتکاب هیچ نوع خلاف
قاعده بانجام رسانده و اما بخدمت جنگ مامور نشده باشد و بعد از اتمام مدت خدمت
مجددا باختیار خودش داخل خدمت شود مستحق نشان صداقت با یکتومان تفاوت مواجب خواهد بود

هر توپچی و هر سربازی که مستحق سرجوقگی شده باشد اگر در دسته مخصوصه خودش
جای قراری او بسرجوقگی نباشد در دسته جات دیگر برقرار شود و اگر در دسته جات
دیگر هم جا نباشد همان مواجب سرجوقگی و شئونات آن در حق او برقرار و مجری
شود تا وقتیکه جائی بجهة برقراری سرجوقگی او بهم رسد

سرجوقه با همین شرایط و بهمین نسبت وکیل خواهد شد و وکیل بهمین شرایط و نسبت

نایب دویم و نایب دویم بهمین شرایط و نسبت نایب اول خواهد شد و امتیاز یاور
دویم اینست که بعوض نشان نقره نشان مطلا بآنها داده میشود

نایب اول بهمان شرط و نسبتی که مذکور شد سردسته و سردسته بهمان شرط و نسبت
یاور شود و امتیاز مخصوص سردسته اینست که بعوض نشان مطلا نشان
طلا باو داده میشود و در خارج نظام در مجالس و محافل بر سرتیپهای بی‌نشان مقدم خواهد بود

هر یاوری که خدمت و رشادت نمایانی در جنگ ظاهر کرده باشد در دفعه
اول صاحب نشان شیر و خورشید و در دفعه ثانی پنجاه تومان مواجب بعنوان امتیاز
او افزوده شود و در دفعه ثالث بمنصب سرهنگی برسد اگر در فوج خودش
جا دارد در همان فوج والا در هر فوجی که باشد برقرار گردد و اگر جائی برای او
نباشد مواجب و امتیازات مخصوصه سرهنگی در حق او مجری شود تا وقتی که
جای سرهنگی برای او بهم رسد

از تابین تا یاور هر کس در راه خدمت کشته شود ثلث مواجب او را برای

اولاد و بازماندگان او برقرار نمایند

پاداش خدمات صاحب منصب از سرهنگ تا امیر تومان

هر صاحب منصبی از سرهنگ تا امیر تومان که بخدمت جنگ مامور شده و تکالیف
خود را در خدمت جنگ کاملا بعمل آورده و رئیس اردوی جنگ خدمات او را
تصدیق نموده باشد یکدرجه بر منصب او افزوده شود

هر صاحب منصبی از سرهنگ تا امیر تومان که خدمت مخصوصه خود را در جنگ کاملا
بعمل آورده علاوه بر آن در میدان جنگ زخم برداشته باشد امتیازات
مفصله در حق او مجری شود

سرهنگ	منصب سرتیپی سیم	نشان از درجه سیم سرتیپی
سرتیپ دوم	منصب سرتیپی اول	نشان از درجه اول سرتیپی
امیر تومان	منصب سرداری	نشان امیر تومانی
سرتیپ سیم	منصب سرتیپی دویم	نشان از درجه دوم سرتیپی
سرتیپ اول	منصب امیر تومانی	نشان امیر تومانی

هر صاحب منصبی از سرهنگ تا امیر تومان که خدمات مخصوصه خود را در جنگ کاملاً
بعمل آورده و در میدان جنگ زخمی برداشته باشد که باین واسطه یک
عضوش ناقص شود اگر بطوری نقص در اعضای او بهم رسیده که بعد از آن نیز
نتواند مصدر خدمت شود یکدرجه بر رتبه او افزوده شود و علاوه بر مواجبی
که دارد بقدر ثلث مواجبش مستمری در حق او برقرار شود و اگر بقسمی عضو او ناقص
شود که دیگر نتواند مصدر خدمت شود و از کار خدمت باز ماند همان شان و امتیاز
و احترام در حق او برقرار خواهد بود و نصف مواجب او را بجهت صرف معیشت
مادام العمر در حق او مرحمت خواهند کرد

هر سرهنگی که هشت سال بدرستی و معقولیت و نظم رفتار کرده و هیچ نوع خلاف
قاعده از او ظاهر نشده باشد سرتیپ سوم و اگر سرتیپ سوم شش سال
بهمین صفت و سمت خدمت کرده باشد سرتیپ دویم

و اگر سرتیپ دویم چهار سال بهمین طور خدمت کرده باشد سرتیپ اول خواهد شد

اگر

اگر سرتیپ اول تا شش سال بدرستی و معقولیت و نظم رفتار کرده و هیچ نوع
خلاف قاعده از او ظاهر نشده باشد برتبه و امتیازات امیر تومانی از درجه سوم

و اگر تا چهار سال امیر تومان درجه سوم بهمین صفت و سمت خدمت کرده باشد
برتبه امیر تومانی از درجه دویم

و اگر امیر تومان درجه دویم تا سه سال بهمین صفت خدمت کرده باشد برتبه
و امتیازات امیر تومانی از درجه اول برقرار خواهد شد

اگر امیر تومان تا پانزده سال بهمین صفت خدمت کرده باشد تمثال
همایون از درجه اول باو مرحمت شود

هر صاحب منصبی از سرهنگ تا امیر تومان که در راه خدمت کشته شود ثلث
مواجب او را بجهت بازماندگان او بعنوان مستمری مرحمت نمایند

پاداش فتوحات عمده و آن مشتمل بر چهار قسمت

قسم اول

اگر سرداری دشمنی را شکست بدهد و آن دشمن قشونش منظم و قوتش زیاده از
قشون جمعی آن سردار باشد و اراده و مشیت خداوند متعال حسن تدبیر و علم
و رشادت آن سردار را سبب آن فتح فرموده باشد و صاحبان علم تصدیق
بر صعوبت یا عدم سهولت آن فتح نمایند با عطای امتیازات ذیل ممتاز خواهد شد
اگر فتح مملکتی کرده است در القاب آن سردار همیشه آن فتح نسبت داده میشود
مادام العمر مورد غضب و بی التفاتی که اذیت بدنی باشد یا ضرر مالی یا موجب
افتضاح باشد نخواهد شد
در احترامات و تشریفات مجالس بسایر هم شانهای خود مقدم خواهد بود اگر
در این مدت دیگری هم صاحب این امتیازات شده باشد هر یک پیشتر این
خدمت را کرده باشد او مقدم خواهد بود
اگر سرداری او متوقف برای حکمرانی و اداره آن قشون بوده است منصب
سرداری برای او دائمی خواهد شد

تاوی

از اجرای شورای دولتی در امور داخله خواهد شد
مواجبی که بازای آن فتح اضافه کرده است نصف آن تا سه پشت در حق
اولادش مستمری خواهد شد و اگر مواجبی دارند دخلی باین نخواهد داشت
اولاد او اگر استدعای نوکری نمایند دیوان همچنان تبعه قبول فرموده موافق
لیاقت و شان آنها منصب مرحمت میفرمایند و توجه مخصوصی در حق آنها
خواهند فرمود مگر اینکه بیقابلیتی آنها بدرجه وضوح رسیده باشد
دارای نشان درجه اولی که مقرر است خواهد شد

قسم دویم

هرگاه طرف مقابل قشون منظم باشد و قوت و قدرت دشمن با قشون جمعی
آن سردار مساوی باشد در این صورت از این قرار امتیاز مرحمت میشود
اگر مملکتی را فتح کرده است در القاب آن سردار همیشه فتح مملکت را نسبت بآن سردار میدهند
در امتیازات معاشرات مطلقا بر هم شانهای خود تقدم خواهد داشت

اگر دیگری هم صاحب این نوع فتح باشند هر یک بحسب زمان تقدم شان بعد هم خواهند بود
هر منصبی که دارد یکدرجه افزوده میشود

اولاد او هر وقت استدعای نوکری دولت را نمایند قبول میشود و اولیای دولت در تربیت اولاد او توجهی مخصوص خواهند فرمود

آن مواجبی که هنگام جنگ داشته است اگر استعفا از خدمت کند یا در خدمت دولت وفات یابد ثلث آن باولادش بصیغه مستمری مرحمت میشود

نشان درجه اول باو مرحمت میشود

قسم سیم

اگر قشون دشمن منظم است و قوت او کمتر از قشون جمعی آن سردار است امتیازاتی که در حق او برقرار میشود از این قرار است

اگر فتح مملکتی یا قلعه را کرده باشد آن فتح باسم او خوانده میشود

نشان درجه دویم باو داده میشود

یکدرجه بر منصبش می افزاید اگر جانداشته باشد هر قدر مواجب دارد ثلث آن افزوده میشود و پس از وفات یا استعفای از خدمت یک ربع از مواجبش در حق اولادش برقرار میشود

قسم چهارم

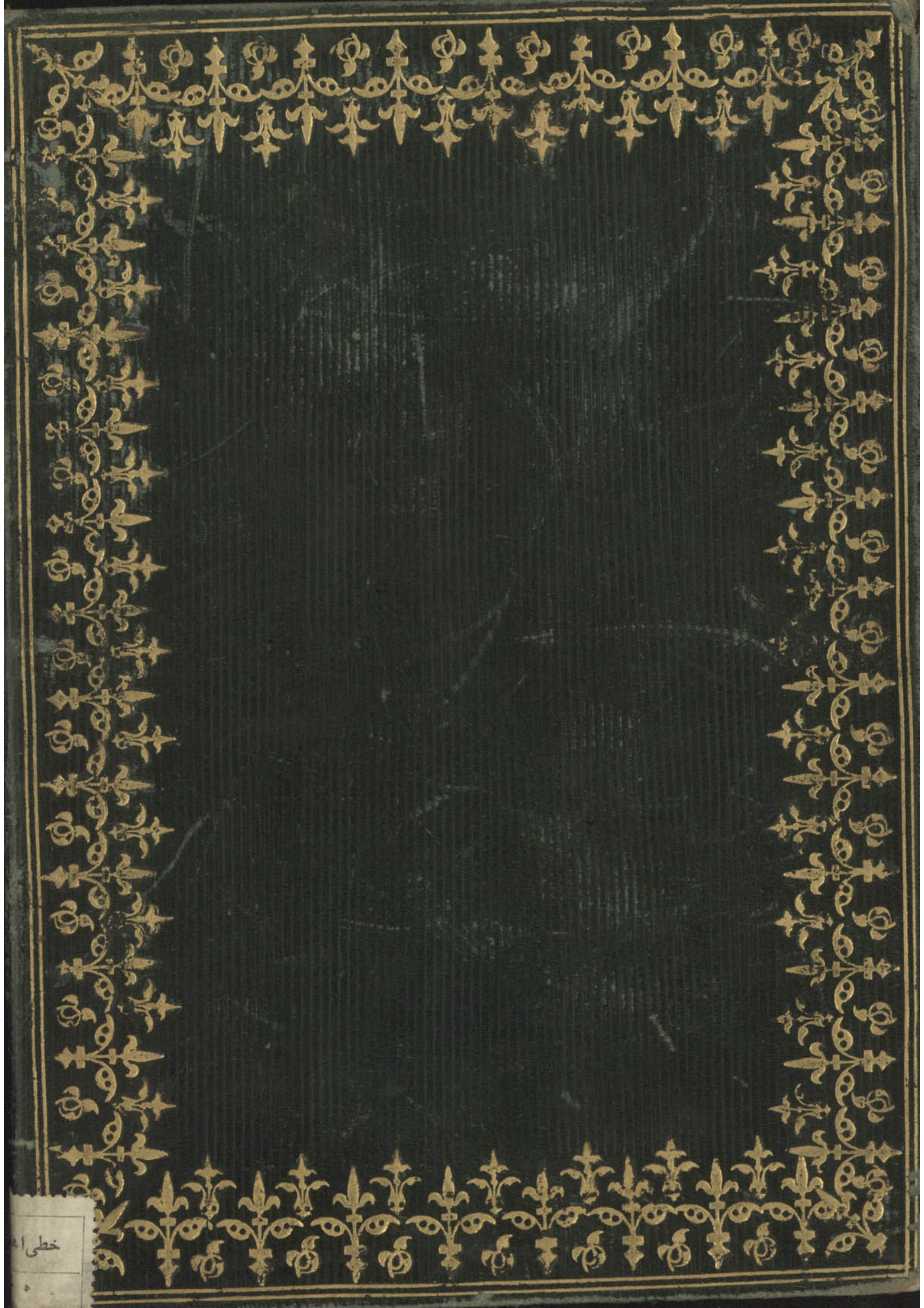
اگر قشون غیر منظم بوده باشد و قوت آن قشون از قوت قشون جمعی آن سردار زیاده بود یا مکان دشمن صعب و سخت بوده که آن سختی سبب تزاید قوت دشمن بشود امتیازات قسم سیم تماما مرحمت میشود

اگر قشون غیر منظم باشد و قوت او کمتر بوده و سردار آنها را شکست بدهد اگر شکست فاحش باشد و از قشون دولت کمتر از اندازه آن کار تلف شده باشد از اینقرار مرحمت میشود

یکدرجه بر منصبش افزوده میشود

بر همشانهای خود تفوق خواهد داشت

یک قبضه شمشیر گل مرصع باو مرحمت میشود


خطی ا
٥